

بررسی میزان رشد هویت فردی مدرن در میان دختران نوجوان شهر تهران سال ۱۳۸۷ (نمونه مطالعه: مقاطع پیش دانشگاهی)^۱

زهیرمصطفی بلوردی*

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

شادروان دکتر محمد عبداللهی

هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

در کشورهای پیشرفته تحولات فرهنگی به شکل مستمر و پیوسته‌ای رخ داده است؛ در واقع این جوامع به مرور از الگوها و باورهای سنتی که تشکیل دهنده هویت آنها نیز است، به سوی الگوهای مدرن گام برداشته‌اند. اما جوامع در حال گذار همزمان با فرهنگ موجود سنتی خود، جلوه‌هایی از فرهنگ و تمدن فرا صنعتی را نیز فرا روی خویش می‌بینند. سرعت تحولات در این جوامع بسیاری از افراد به خصوص دختران نوجوان را، که به دنبال رسیدن به مهم‌ترین هدف خود همانا پاسخ به کیستی و چیستی آنها است، با شکل‌های جدیدی از الگوهای هویت مواجه می‌کند. آنها در می‌یابند که نقش‌ها و هویت‌های فرودست آنها ناشی از عوامل فرهنگی و نه عوامل طبیعی است. لذا تلاش دارند با استفاده از تعدد منابع هویت ساز به الگوهای جدید رشدی از هویت دست یابند. این نوشتار تلاش کرده با تقسیم بندی الگوی هویت رشد غیر سنتی به شش مؤلفه که دربردارنده شاخص‌های مدرن و سنتی است، به سنجی از الگوی هویت رو به رشد مدرن دختران که به صورت هویت رشد پایین، متوسط و بالا دسته بندی شده، نائل آید. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن متغیرهای مستقلی چون پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین، میزان تقسیم وظایف جنسیتی در خانه، میزان استفاده از رسانه، میزان ارتباط با همسالان، میزان تعاملات تفاهمی میان اعضای خانواده، میزان اعتقادات دینی و سطح نگرش برابرگرایانه نسبت به موقعیت زن در جامعه، میزان تأثیر هر یک از عوامل بر شکل گیری الگوهای هویت رو به رشد را بررسی کند. نوع پژوهش پیمایشی، روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. نتایج نشان می‌دهد که بیشتر دختران از الگوی هویت رو به رشد پایینی برخوردارند. از بین متغیرهای مؤثر در شکل گیری الگوهای هویت، سطح نگرش برابرگرایانه، میزان استفاده از رسانه و میزان تعاملات تفاهمی به ترتیب نقش بیشتری در تبیین و پیش بینی هویت رو به رشد مدرن دختران نوجوان داشته‌اند.

واژگان کلیدی

هویت، هویت فردی، نگرش برابرگرایانه، تعاملات تفاهمی، اعتقادات دینی، تقسیم وظایف جنسیتی

تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۷

* نویسنده مسئول

۱. این پژوهش با حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی انجام شده است.

مقدمه

بی شک بسیاری از افراد در نوجوانی با پرسش‌هایی از خود درباره کیستی خویشتن مواجه شده‌اند. من کیستم؟ نوجوانی هستم که می‌توانم تا مرز آینده پیش روم. من کیستم؟ دنیای درونی من، دنیای تاریکی‌ها و غم‌ها است؛ و شاید پاسخ‌های گوناگونی را هم برای آنها یافته‌اند. جواب‌های یافته شده برای این سؤال را می‌توان با توجه به شرایط اجتماعی زمانی و مکانی به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته جواب‌ها، ناشی از شرایط اجتماعی پیشامدرن و دسته دیگر بر گرفته از شرایط مدرن است. از آنجا که در پرداختن به بحث هویت، ابتدا باید به این پرسش پاسخ گفت که هویت بر مبنای چه عواملی شکل می‌گیرد؟ و کلی‌ترین پاسخی که در جامعه شناسی به این پرسش داده می‌شود بر تمایز جامعه سنتی و مدرن استوار است (چاوشیان، ۱۳۸۱)؛ می‌توان از دو نوع الگوی هویتی سنتی و مدرن یاد کرد. اما به نظر می‌رسد در جوامع در حال گذار، نوع خاصی از الگوی هویتی که نه سنتی است و نه مدرن وجود دارد. این جوامع درگیر یک نوع الگوی هویتی رو به رشد از سنتی به مدرن هستند. هویت‌ها به این دلیل رو به رشد هستند که سمت و سوی حرکت آنها از سنتی به الگوها و ارزش‌های مدرن است. سرعت تحولات جوامع در حال گذار، بسیاری از افراد، به خصوص نوجوانان، را که به دنبال یافتن پاسخی به کیستی و چیستی خود هستند، با نوعی از الگوی هویت جدید رو به رشد مواجه کرده است. تغییر و تحولات در حال گذار و وارد شدن افکار جدید به جامعه ایران، ارزش‌های متناقض و هویت‌های رو به رشد جدیدی ایجاد کرده. یک سو ارزش‌ها و هویت‌های تثبیت شده سنتی و سوی دیگر ارزش‌ها و هویت‌های غیر سنتی تثبیت نشده وجود دارند، اما مسأله از آنجا آغاز می‌شود که روابط میان اعضاء متناسب با شرایط امروزی تعریف نشده؛ به نظر می‌آید هر آنچه قبلاً مطلوب بوده امروز هم مطلوب به شمار می‌آید. بدون توجه به اینکه تحولات سریع جامعه بسیاری از مفاهیم و هویت‌ها را دگرگون کرده و باید تعریفی جدید از وظایف، حقوق، مسئولیت‌ها و هویت‌های کنونی ارائه داد (اعزازی، ۱۳۷۹: ۵۷).

موضوع دختران جامعه ما در این شرایط، مسأله‌ای ویژه است. دختران پی می‌برند که هویت فردی و اجتماعی آنها فقط آن چیزی نیست که از طریق والدین و سنت‌ها به آنها تفویض می‌شود، بلکه هویتی سوق یافته به سمت ارزش‌های مدرنی نیز وجود دارد که آن را باید به طور مداوم رشد دهند و در فعالیت‌های روزمره خود به صورت تأملی مورد حفاظت و



پشتیبانی قرار دهند. در این راستا چنین به نظر می‌آید که دختران نوجوان ما تلاش دارند از هویت تابع و سنتی خود گذر کنند و خود هویت رو به رشد جدیدی برای خویشتن در جامعه ارائه دهند. چراکه مهم ترین وظیفه و هدف نوجوان جستجو در راه یافتن هویتی پر معنا است، و البته رسیدن بدین هدف در یک جامعه متغیر به مراتب مشکل تر از نیل به آن در یک جامعه ابتدایی است (موس، ۱۳۷۰: ۲۳۱-۲۳۰).

اگر این تلاش دختران نوجوان برای دستیابی به یک هویت رو به رشد جدید امروزی را با مسأله گذار جامعه ایران به مدرن پیوند زنیم؛ می‌توانیم از «بحرانی مضاعف» در سطح کلان تحت عنوان گذار جامعه و در سطح خرد یا شخصی تحت عنوان گذار هویتی نوجوانان سخن بگوییم. البته از آنجا که برخی از صاحب نظران، هویت یابی را در درجه اول امری فردی و شخصی می‌دانند؛ ضرورت بر طرف کردن ضعف و فقدان بلوغ هویت فردی اهمیت بالایی به خود می‌گیرد. دختران برای حل این ضعف و دست یافتن به تعریفی روشن از خود به کمک دیگران نیازمندند. به این سبب، این کمک کردن در ابتدا جنبه‌ای فردی می‌یابد که قبل از هر چیز نیازمند بررسی‌های کارشناسانه است، اما مسأله اصلی آن جا است که با توجه به شکسته شدن قالب‌های نظم سنتی، جامعه ایران کارایی خود را برای این کمک از دست داده و چنان تحت تأثیر تغییرات سریع قرار گرفته که دختران برای یافتن تعریفی از هویت با مشکل مواجه‌اند. حال با توجه به فقدان کارایی جامعه، دختران خود باید به گونه‌ای بازاندیشانه به هویتی نو دست یابند. بنابراین، شناخت میزان هویت رو به رشد مدرنی که دختران نوجوان برای حل تعارض و ضعف هویتی خود به دنبال آن هستند و همچنین عواملی که در این شکل‌گیری مؤثر است، می‌تواند یکی از موضوعات قابل بررسی در حوزه جامعه‌شناختی باشد.

مبانی نظری

هویت^۱، از پیچیده ترین مفاهیمی است که تعریف ساده و دقیق آن میسر نیست (جی‌دان، ۱۳۸۵: ۲۸). این واژه دو معنی اصلی تشابه و تفاوت را می‌رساند؛ تشابهات، یعنی این که مردم مانند ما هستند و تفاوت‌ها به این معنی که دیگران مانند ما نیستند (وود وارد، ۲۰۰۰). لذا در یک دسته بندی کلی، هویت را می‌توان به دو بعد «هویت جمعی» و «هویت فردی» تقسیم کرد.

وقتی افراد بر شباهت‌های دورن گروهی و تفاوت‌های بین گروهی تأکید دارند، بحث هویت جمعی مطرح است. شناسه این نوع هویت، آن حوزه و قلمروی از حیات اجتماعی است که فرد با ضمیر «ما» خود را متعلق بدان می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند (عبداللهی، ۱۳۷۴: ۶۳). همچنین هنگامی که شخص بر تفاوت‌های فردی متمایز از دیگر اشخاص درون گروه تأکید دارد، هویت فردی مطرح می‌شود. در واقع هویت فردی، معطوف به بازشناسی مرز میان خود و دیگری است. هویت فردی توانایی شخص را در به کار بردن ضمیر خود «من»^۱ نشان می‌دهد و معرف هویت و استقلال شخصی فرد است (عبداللهی و حسین بر، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

هویت فردی گاه به دو صورت شخصی و نقشی مطرح می‌شود. منشاء «هویت نقشی» بیشتر در تقسیم کار است و برداری چند بعدی از معانی، انتظارات، نقش‌های اجتماعی محول و اکتسابی است که شخص در زندگی اجتماعی ایفاء می‌کند. «هویت شخصی»، عملاً بر اساس روایت خاصی از «خود» باطنی افراد ساخته و پرداخته می‌شود که از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا مبنای زندگی اجتماعی و ایجاد ارتباط معنادار و استوار با دیگران است. در تحلیل انواع هویت فردی، با دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی متنوع‌ای سروکار داریم. دیدگاه‌های نظری را می‌توان به دو دسته دیدگاه‌های روانشناسانه و جامعه‌شناسانه تقسیم کرد. در زیر دیدگاه روان شناختی متفکرانی چون «اریکسون»^۲، «آلپورت»^۳ و ... مطرح می‌شوند. دیدگاه‌های جامعه شناختی مرتبط با هویت را می‌توان دو دسته تقلیل‌گرا و تلفیق‌گرا نامید. در دسته اول کسانی چون «اریک فروم»^۴، «کولی»^۵، «مید» هویت را در ارتباط با عوامل سطح خرد و دسته دوم جامعه‌شناسانی چون «هابرماس»^۶ و «گیدنز»^۷ آن را در ارتباط با ترکیبی از عوامل سطوح خرد و کلان تحلیل می‌کنند.

-
1. I
 2. Erikson
 3. Allport
 4. From
 5. Cooley
 6. Habermas
 7. Giddens



هویت فردی در منابع تجربی و نظری

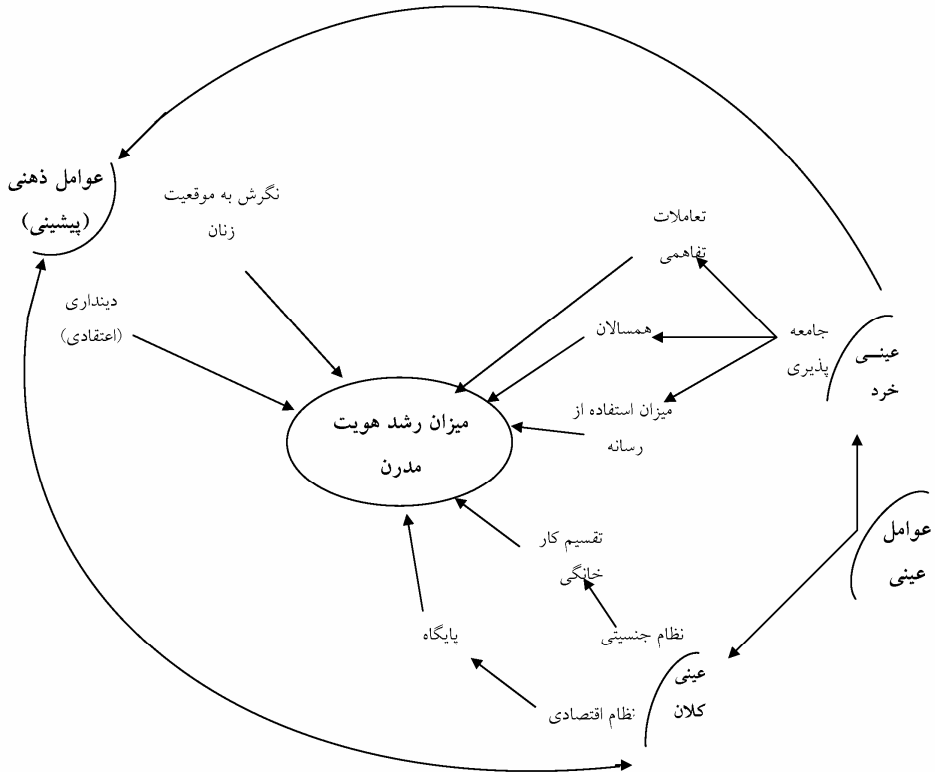
پژوهش‌ها و منابع تجربی انجام شده درباره هویت فردی در ایران بسیار اندک‌اند؛ زیرا بیشتر بررسی‌ها هویت‌های جمعی را مدنظر قرار داده‌اند. رفعت جاه در بحث از هویت زنان بین تحصیلات، ارزش‌ها و نگرش‌ها، سبک زندگی و هویت شخصی (۱۳۸۳)، شالچی بین مناسک مذهبی (۱۳۸۴)، عزیززاده بین سرمایه اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۴) با هویت فردی به روابط معناداری دست یافته‌اند، اما نکته اینجا است که بیشتر این پژوهش‌ها هویت فردی زنان و دختران ۲۰ سال به بالا را بررسی کرده‌اند. از این رو پژوهش حاضر می‌تواند مبادی جدیدی از مطالعات هویت درباره دختران نوجوان باشد. در بعد نظری دیدگاه‌های روان‌شناختی، اریکسون تأکید ویژه‌ای بر جنبه‌های فرهنگی و رفتارهای انسانی دارد. آن‌چه که او بیان می‌کند گروه‌های همسالان و مشارکت در خرده فرهنگ‌های جوانی است که یک عامل اثرگذار در شکل‌دهی هویت نوجوانی است (اسکات، ۲۰۰۶؛ استنسن، ۲۰۰۷)؛ چرا که به اعتقاد او هویت‌یابی جدید در چارچوب روابط اجتماعی ظاهر می‌شود. گوردن آلپورت شخص سالم را از قید و اجبار گذشته آزاد می‌یابد و شخص این آزادی را دارد که روز به روز بتواند هویت‌های جدیدتر و روبه‌رشدتری پیدا کند و هویت‌های گذشته او را در بند خود نگه‌ندارند (شولتس، ۱۳۶۹). در دیدگاه جامعه‌شناختی، به هویت از زوایای گوناگونی توجه شده است؛ تقلیل‌گرایان، شخصیت را تحت تأثیر نیروهای اجتماعی می‌دانند و تأثیرگذاری فرهنگ بر آن را بررسی کرده‌اند. فروم، درجه و میزان آگاهی از خود را به میزان رهایی انسان از محیط و میزان استقلال فردی می‌داند. هرچه میزان وابستگی فرد کمتر شود، خودآگاهی او بیشتر و در نتیجه احساس هویت، تکامل بیشتری می‌یابد (فروم، ۱۳۶۸). صاحب‌نظرانی چون مید و کولی و... به طور کلی عنصر اصلی پویایی در روابط رو در رو را خود یا انگاره‌هایی می‌دانند که افراد درباره خودشان دارند (جنکینز، ۱۳۸۱). در این دسته به نیروهای اجتماعی چون خانواده و رسانه‌های گروهی در شکل‌گیری هویت افراد (واین و وایت، ۱۹۹۷) توجه شده است. بر مبنای همین عوامل فرایندهای جامعه‌پذیری می‌تواند سهم بالایی در شکل‌گیری الگوهای هویتی به خود اختصاص دهند. جامعه‌شناسان تلفیق‌گرا با رویکردی متفاوت به بحث هویت توجه کرده‌اند. هابرماس هدف کنش ارتباطی را نیل به تفاهم دوطرفه از طریق ارتباط می‌داند (هابرماس، ۱۳۸۴: ۱۸۲). هابرماس بر حوزه تعاملات تفاهمی و کنش توجهی ویژه فارغ

از هرگونه اجبار و سرکوب دارد تا افراد بتوانند درباره موضوع شناسایی از خود بدون هرگونه ظاهر سازی و تعریف‌های کاذب، بازاندیشی کنند. گیدنز بارزترین ویژگی‌های جهان امروز را «بازتابندگی خود» می‌داند و شکل‌گیری خود و هویت شخصی را معلول تجربه دوران اولیه شخص، موسوم به اعتماد بنیادین می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۷). بنابراین، روابط اعتماد برای رشد فرد و ظرفیت‌های کنشی، اساسی است و از این رو «اعتماد» مفهومی عمده برای گیدنز است (کسپرسن، ۲۰۰۰: ۱۰۲). «خود» شخصی پدیده‌ای نسبتاً متغیر است که کشف و رشد آن در جوامع کنونی، برخی دگرگونی‌های اجتماعی را به ما نشان می‌دهد و الزامات ناشی از این تحولات را می‌توان با تمایز قائل شدن بین «سیاست‌های بخش»^۱ و «سیاست زندگی»^۲، مشخص کرد. البته، در مقوله هویت شخصی توجه بیشتر به سیاست زندگی است که مستلزم سطح معینی از رهایی (گیدنز، ۱۳۸۵) و تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی است.

بر اساس مرور ملاحظات نظری و تجربی می‌توان اشاره کرد که برای رسیدن به هویت رو به رشد شخصی در دوران کنونی خود فرد باید آن را به صورتی «بازاندیشانه» ایجاد، ساخته و تعریف کند. فرد باید به سطحی از نگرش و شناخت در به چالش کشیدن موقعیت کنونی خویش برسد و این خلاقیتی را می‌طلبد که با «شهامت بودن» پیوند می‌خورد؛ زیرا کنش خلاق با دیگران محتاج نوعی اعتماد در محیط اجتماعی و نشان دهنده اهمیت مسائل زندگی برای ما انسان‌های جهان مدرن است (لی در، ۲۰۰۴: ۳۲). البته با توجه به این که فرایند شکل‌گیری و تغییر هویت در جریان جامعه پذیری تحقق می‌یابد؛ نمی‌توان بسیاری از عوامل و گروه‌ها را فراموش کرد که نقش واسطه در امر جامعه‌پذیری دارند. مهمترین این عوامل، همسالان، رسانه‌های جمعی (واین و وایت، ۱۹۹۷) و تعاملات تفاهمی (هابرماس، ۱۳۸۴) با اعضای خانواده‌است. با توجه به موضوع پژوهش که میزان رشد هویت شخصی دختران است، عامل «جنسیت» نیز مدنظر است تا به تأثیر تصورات قالبی توجه شود که بیشتر در تقسیم وظایف جنسیتی متبلور است (رفعت‌جاه، ۱۳۸۳). ضمن این که با توجه به تحولات صورت گرفته در جامعه از کنار عواملی چون پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین، باورها و اعتقادات دینی نیز نمی‌توان به سادگی عبور کرد. ترکیب یا برابری عوامل مذکور را براساس توضیحات فوق

-
1. Emancipatory politics
 2. Life politics

می‌توان در مدل فرضی زیر به نمایش گذاشت:



نمودار ۱: مدل فرضی میزان رشد هویت فردی مدرن در میان دختران نوجوان

پرسش اساسی پژوهش این است که میزان رشد هویت مدرن شخصی در میان دختران دانش‌آموز چگونه است و چرا؟

فرضیه اصلی این است که شکل‌گیری هویت روبه رشد دختران با عوامل عینی و ذهنی مورد توجه در این پژوهش چون پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین، تقسیم وظایف جنسیتی

در خانه، میزان استفاده از رسانه، ارتباط با همسالان و تعاملات تفاهمی با اعضای خانواده، اعتقادات دینی، نگرش برابرگرایانه نسبت به موقعیت و وضعیت زنان رابطه دارد به طوری که می‌توان گفت:

۱. هر چه پایگاه والدین بالاتر میزان رشد هویت مدرن شخصی دختران بیشتر است.
۲. هر چه تقسیم وظایف جنسیتی در زندگی خانوادگی بیشتر باشد میزان رشد هویت مدرن شخصی دختران کمتر است.
۳. هر چه میزان استفاده دختران از رسانه بیشتر میزان رشد هویت مدرن شخصی در بین آنها بیشتر است.
۴. هر چه رابطه با گروه همسالان بیشتر میزان رشد هویت مدرن شخصی دختران بیشتر است.
۵. هر چه تعاملات تفاهمی بیشتر میزان رشد هویت مدرن شخصی در میان دختران بیشتر است.
۶. هر چه میزان اعتقادات دینی بیشتر باشد میزان رشد هویت مدرن شخصی دختران کمتر است.
۷. هر چه سطح نگرش برابرگرایانه نسبت به موقعیت و وضعیت زنان در جامعه بالاتر باشد میزان رشد هویت مدرن شخصی دختران بیشتر است.

روش شناسی

متغیر وابسته

در این پژوهش میزان رشد هویت شخصی متغیر وابسته است؛ هویتی که به مرور از الگوی سنتی جدا شده و به گونه‌ای رشد یافته به سمت الگوهای مدرن گام بر می‌دارد. این متغیر از چهار مؤلفه تفکر بازاندیشانه، سیاست زندگی، اعتماد و باورهای کلیشه‌ای جنسیتی تشکیل شده است. «تفکر بازاندیشانه» متضمن آگاهی از سرشت احتمالی قوانین اجتماعی و توانایی افراد در برابر تجدید نظر، اصلاح و تغییر است (لاپتن، ۱۳۸۰: ۳۰۷). آزمون کردن نظارت دائمی بر رفتارهای خود و دیگران و گفتگوی فرد با خویشان جهت کنار گذاشتن عادات، استفاده از ادله قوی و منطقی در برابر انتقادهای فرد از خود یا جوابگویی به نقد دیگران، مصادیق عملیاتی



کردن آن است. «سیاست زندگی»، تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی و سیاست متحقق کردن خویشتن در محیطی است که به گونه‌ای بازتابی سازمان یافته است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۰۰). کلی بودن این مفهوم، تلاش برای عملیاتی کردن آن را دشوار کرده است. اکثر پژوهش‌هایی که به این موضوع پرداخته‌اند با محدود کردن توجه خود به یکی از ابعاد سیاست زندگی، کار خود را به انجام رسانده‌اند. منظور از مؤلفه‌های سیاست زندگی، هنجارهای مصرف، مدیریت بدن و روابط بین شخصی است. ما توجه خود را از سیاست زندگی به روابط بین شخصی محدود می‌کنیم. روابط بین شخصی نیز نحوه سازمان دادن به روابط خود با دیگران در خانواده و در اجتماع بیرون از خانواده است. برای عملیاتی کردن این تعریف، میزان اهمیت پاسخگویان به مناسبات زندگی، از جمله میزان اهمیت به «روابط با دوستان»، «آزادی و استقلال»، «رابطه با جنس مخالف» و «میزان رضایت از تحصیل» مدنظر است (چاوشیان، ۱۳۸۱: ۸۸). «اعتماد» حسن ظن به اعتمادپذیر بودن یک شخص یا سیستم که موجد گسترش و تسهیل روابط اجتماعی است. برای سنجش و عملیاتی کردن مفهوم اعتماد از چهار معرف صراحت، سهیم کردن، تمایلات همکاری جویانه و اعتماد کردن استفاده می‌شود (جانسون، ۱۹۹۹ و گیدنز، ۱۳۸۵).

دخترانی که با باورهای کلیشه‌ای جنسیتی درباره هویت خود مخالفت کنند بیشتر هویت خود را به الگوهای مدرن رشد داده‌اند که در سه بعدگرایشی، کنشی و نمادی جای داده شده‌اند و گویه‌های آن در جدول ۱ ذکر شده است. برای هر یک از چهار مؤلفه متغیر وابسته مجموعه‌ای از پرسش‌ها در قالب یک مقیاس منظور شده که پس از سنجش اعتبار و پایایی این مقیاس، میزان رشد هویت شخصی مدرن در میان دختران نوجوان بر حسب مجموع نمراتی که در پاسخ‌ها به دست آورده‌اند، در سه سطح ترتیبی «پایین»، «متوسط» و «بالا» اندازه‌گیری می‌شود.

متغیرهای مستقل

۱. پایگاه: منظور پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین و جایگاهی است که افراد بر اساس میزان ثروت، نوع شغل و میزان تحصیلات در جامعه به دست می‌آورند. این شاخص بر اساس سه متغیر فوق و تبدیل به یک شاخص رتبه‌ای «پایین»، «متوسط» و «بالا» اندازه‌گیری می‌شود. برای تعیین وضعیت افراد مورد مطالعه

ابتدا از شاخص‌های تحصیلات علمی پدر و مادر، نوع شغل پدر و میزان مخارج ماهیانه خانواده با استفاده از مؤلفه‌های مستقیم یا غیر مستقیم مرتبط با آن و همچنین نوع مالکیت محل سکونت استفاده می‌شود.

۲. تقسیم وظایف جنسیتی: میزان و چگونگی مشارکت اعضای خانواده در امور و کارهای خانه است که با سه گزینه «پایین»، «متوسط» و «بالا» عملیاتی می‌شود. در این راه از چهار دسته کارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی استفاده شده است. هر سؤال جداگانه و بر اساس عرف تقسیم وظایفی که در جامعه وجود دارد کد گذاری می‌شود. به وظیفه‌ای که بر طبق عرف بر عهده زن (مادر و دختر) است، بیشترین نمره تعلق می‌گیرد؛ سپس به گزینه اشتراکی و در نهایت به گزینه مربوط به مرد (پدر و پسر) نمره داده می‌شود.

۳. میزان استفاده از رسانه‌ها: منظور فناوری‌های بخش الکترونیک، صوتی، تصویری و متنی است که محل تولید و پخش آن می‌تواند داخل یا خارج از کشور باشد. هر کدام از این رسانه‌های ارتباطی بایک مدرج چهار درجه‌ای که شامل اصلاً/هیچ، کمتر از ۳ ساعت، بین ۳-۶ ساعت و بیشتر از ۶ ساعت با سه گزینه «کم»، «متوسط» و «زیاد» بررسی می‌شوند.

۴. میزان ارتباط با گروه همسالان: متغیری است ترتیبی با سه گزینه «پایین»، «متوسط» و «بالا» که میزان ارتباط هفتگی فرد با بچه‌های محل، همکلاسی‌های مدرسه، اقوام و دوستان کلاس‌های بیرون از مدرسه در طیف همیشه، معمولاً، گاهگاهی، بندرت و اصلاً مورد پرسش واقع می‌شود.

۵. تعاملات تفاهمی با اعضای خانواده: رابطه تفاهمی و درک متقابل دختران با والدین، با فرزندان دیگر، والدین با هم و فضای حاکم بر این روابط است که در چهار دسته تعاملات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تقسیم بندی می‌شوند. متغیری ترتیبی با سه گزینه «پایین»، «متوسط» و «بالا».

۶. دینداری (اعتقادات دینی): به معنای داشتن حساسیت سستی به رفتارهای دینی است. با توجه به دشواری و حساسیت سنجش مستقیم این مفهوم، سعی شده از طریق معرف‌های غیر مستقیم سنجیده شود. اعتقاد داشتن به «نجاست و



طهارت»، «محرم و نامحرم» و «اعتقاد به معاد» به عنوان شاخص دینداری انتخاب شدند که به شکل ترتیبی با سه گزینه «کم»، «متوسط» و «زیاد» دسته بندی می شوند.

۷. نگرش برابر گرایانه نسبت موقعیت و وضعیت زنان در جامعه: به معنای سطح شناخت و نوع نگاه دختران به موقعیت اجتماعی و وضعیت زنان در جامعه است. در جامعه سنتی نگرش نسبت به جایگاه و موقعیت زن بر تفوق و تسلط مردان استوار است. مهمترین مقیاسی که می توان برای سنجش سطح نگرش نسبت به جایگاه زن در جامعه به کار برد، مقیاس «برابری نقش جنسیتی»^۱ لیچانگ (۱۹۹۹) است (سراج زاده، ۱۳۸۵). متغیری ترتیبی با سه گزینه «پایین»، «متوسط» و «بالا».

کلیه دانش آموزان دختر مقطع پیش دانشگاهی دولتی سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ شهر تهران جامعه آماری این پژوهش بودند. بر اساس فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۷۸ نفر محاسبه شد که به منظور بالا بردن دقت احتمالی ۴۰۰ نمونه با روش «نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای»^۲ انتخاب شد. ابتدا مناطق آموزش و پرورش شهر تهران به دو بخش شمالی و جنوبی دسته بندی شد و به روش تصادفی دو منطقه ۲ و ۱۷ انتخاب شد. در مرحله بعد، پیش دانشگاهی های مربوط هر منطقه به عنوان خوشه یا واحد نمونه گیری معین شدند و به روش تصادفی در هر کدام از مناطق دو مدرسه انتخاب شد. سپس آمار تعداد دانش آموزان پیش دانشگاهی هر مدرسه دریافت و بر اساس تعداد دانش آموزان، نمونه متناسب به شکل تصادفی ساده، از روی لیست دانش آموزان با استفاده از جدول اعداد تصادفی انتخاب شد. گردآوری داده ها بر اساس تکنیک پرسشنامه بود، برای سنجش روایی^۳ و پایایی^۴ ابزار اندازه گیری ابتدا از اعتبار صوری و تحلیل عاملی استفاده شد. سؤالاتی با توجه به فرایند شاخص سازی طرح شد و بعد از تدوین سؤالات با مراجعه به داوران نواقص پرسشنامه رفع شد و در عین حال به اعتبار سازه ای یا

-
1. Gender Role Egalitarian Attitudes(GREA)
 2. multi phase cluster sampling
 3. validity
 4. Reliability

اعتبار مفهوم نظری توجه شد. همچنین با سنجش میزان پایایی مقیاس‌های ساخته شده توسط آزمون آلفای کرونباخ ضرایب تقسیم وظایف ۰/۷۸، تعاملات تفاهمی با اعضای خانواده ۰/۷۵، دینداری ۰/۷۲، نگرش برابرگرایانه به حقوق زن در جامعه ۰/۷۱ و هویت مدرن ۰/۶۸ مشخص شد. پس از تکمیل پرسش نامه‌ها به شیوه حضورى با مراجعه به پاسخگویان در مدارس و گردآوری داده‌ها، توصیف و تحلیل آن‌ها انجام شد. در سطح توصیفی از جداول یک بعدی و آماره‌های تمایل به مرکز میانگین، میانه، نما و در سطح استنباطی ابتدا از جداول متقاطع و آزمون‌های آماری مربوط به آن‌ها از جمله گاما، دی سامرز، کندال تاو بی، و پس از آن از تکنیک‌های تحلیل چند متغیری به خصوص رگرسیون استفاده شده است.

توصیف و تحلیل داده‌ها

۱- توصیف داده‌ها

بر اساس داده‌های به دست آمده دختران نسبت به برخی از ابعاد هویت شخصی مدرن گرایش‌های متفاوتی دارند؛ به گونه‌ای که این گرایش در بعد تفکر باز اندیشانه حاکی از تأملی و باز اندیشانه بودن نسبی در رفتارها و افکار پاسخگویان است. بعد سیاست زندگی نشان دهنده تلاش برای دست یافتن به یک هویت مستقل و پویا است. اعتماد از سطحی بینابین در روابط شخصی دختران برخوردار است. آنها نسبت به باورهای کلیشه‌ای گرایشی و باورهای کلیشه‌ای کنشی مخالفت نسبی و بینابین دارند و درباره باورهای کلیشه‌ای نمادی مخالفت بالایی از خویشتن بروز داده‌اند. در جمع بندی کلی میزان رشد هویت شخصی مدرن نیمی از پاسخگویان با ۵۳/۳ درصد در سطح پایینی قرار دارد. بیش از نیمی از توزیع پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین پاسخگویان (۵۳ درصد) در رده متوسط قرار می‌گیرند. نوجوانان با سطح متوسطی ۶۳/۵ درصد از تقسیم وظایف جنسیتی در زندگی خانوادگی مواجه‌اند. میزان استفاده آنها از رسانه‌های جمعی به ویژه چت اینترنتی و فیلم‌ها و سی دی‌های ویدیویی خارجی بسیار کم است. ۶۵ درصد از پاسخگویان میزان استفاده از رسانه را پایین اعلام کرده‌اند، اما نکته جالب توجه در متغیر میزان ارتباط با گروه همسالان است که ۵۰/۳ درصد میزان ارتباط شان را در حد پایین بیان کرده‌اند. تعاملات تفاهمی آن‌ها با والدین و فرزندان دیگر در حد متوسطی است؛ ۴۱ درصد از پاسخگویان میزان تعاملات تفاهمی را متوسط اعلام کرده‌اند. میزان



حساسیت سنتی دینی آنها به رفتارهای دینی در زندگی روزمره در حد متوسط رو به بالا است؛ ۳۶/۸ درصد از پاسخگویان از لحاظ اعتقادات دینی در سطح بالایی قرار دارند. دختران نوجوان دارای نگرش برابرگرایانه بینابینی نسبت به موقعیت و وضعیت زن در جامعه هستند؛ ۳۶/۳ درصد از آنها نگرش برابر گرایانه پایینی داشته‌اند.

جدول ۱: خلاصه اطلاعات توصیفی

توزیع فراوانی پاسخگویان		شاخص‌های مرکزی		حداکثر	حداقل	متغیر
درصد	فراوانی	میانه	نما			
۵۳	۲۱۲	۲. متوسط	۲. متوسط (۵۳)	۳. بالا	۱. پایین	۱ پایگاه اقتصادی- اجتماعی
۶۳/۵	۲۴۵	۱. پایین	۲. متوسط (۶۳/۵)	۳. بالا	۱. پایین	۲ میزان تقسیم وظایف جنسیتی
۶۷/۵	۲۶۰	۲. متوسط	۱. پایین (۶۵)	۳. بالا	۱. پایین	۳ میزان استفاده از رسانه
۵۰/۳	۲۰۱	۲. متوسط	۱. پایین (۴۴/۵)	۳. بالا	۱. پایین	۴ میزان ارتباط با گروه همسالان
۴۱	۱۶۴	۲. متوسط	۲. متوسط (۴۱)	۳. بالا	۱. پایین	۵ میزان تعاملات تفاهمی
۳۸/۲	۱۴۷	۲. متوسط	۳. بالا (۳۶/۸)	۳. بالا	۱. پایین	۶ میزان دین داری (اعتقادات دینی)
۴۹	۱۸۷	۳. بالا	۲. متوسط (۳۶/۳)	۳. بالا	۱. پایین	۷ نگرش برابر گرایانه به حقوق زن در جامعه
۵۵/۳	۲۱۳	۲. متوسط	۱. پایین (۵۳/۳)	۳. بالا	۱. پایین	۸ میزان رشد هویت شخصی مدرن
		۳. زیاد		۴. خیلی زیاد	۱. خیلی کم	۸-۱. تفکر بازاندیشانه ۸-۱-۱. تجدید نظر در رفتار در نتیجه گفتگو یا دوستان
		۳. زیاد		۴. خیلی زیاد	۱. خیلی کم	۸-۱-۲. استدلال در برابر انتقاد
		۲. موافق		۴. کاملاً مخالف	۱. کاملاً موافق	۸-۱-۳. عدم توانایی در کنار گذاشتن عادات
		۳. مخالف		۴. کاملاً مخالف	۱. کاملاً موافق	۸-۱-۴. عدم توانایی در دفاع از نظریات
		۳. زیاد		۴. خیلی زیاد	۱. خیلی کم	۸-۲. سیاست زندگی
		۳. زیاد		۴. خیلی زیاد	۱. خیلی کم	۸-۲-۱. اهمیت به رابطه با دوستان
		۳. زیاد		۴. خیلی زیاد	۱. خیلی کم	۸-۲-۲. اهمیت به استقلال در تصمیم‌گیری
		۳. مخالف		۴. کاملاً مخالف	۱. کاملاً موافق	۸-۲-۳. رابطه با جنس مخالف
		۳. مخالف		۴. کاملاً مخالف	۱. کاملاً موافق	۸-۲-۴. رضایت از تحصیل
						۸-۳. اعتماد
		۳. موافق		۴. کاملاً موافق	۱. کاملاً مخالف	۸-۳-۱. اظهار نظر در جمع درباره مسائل کشور
		۲. مخالف		۴. کاملاً موافق	۱. کاملاً مخالف	۸-۳-۲. نظر ندادن در کار دیگران



شاخص‌های مرکزی

توزیع فراوانی پاسخگویان

متغیر	حداقل	حداکثر	نما	میانه	فراوانی	درصد	درصد	درصد
						معتبر		
بواسطه ترس از نتیجه کار	۱. کاملاً موافق	۴. کاملاً مخالف		۳. مخالف				
۳-۳-۸. دردسر ساز بودن کار گروهی	۱. کاملاً موافق	۴. کاملاً مخالف		۴. کاملاً مخالف				
۴-۳-۸. قابل اعتماد بودن دیگران	۱. کاملاً موافق	۴. کاملاً مخالف		۳. مخالف				
۴-۸. باورهای کلیشه‌ای گرایشی	۱. کاملاً موافق	۴. کاملاً مخالف		۳. مخالف				
۱-۴-۸. زشت‌بودن رابطه‌ها با پسر برای دختران تا پسران	۱. کاملاً موافق	۴. کاملاً مخالف		۳. مخالف				
۲-۴-۸. مرد باید حرف آخر را در خانه بزند	۱. کاملاً موافق	۴. کاملاً مخالف		۳. مخالف				
۳-۴-۸. مهم بودن تحصیلات دانشگاهی فقط برای پسران	۱. کاملاً موافق	۴. کاملاً مخالف		۴. کاملاً مخالف				
۵-۸. باورهای کلیشه‌ای کننشی	۱. کاملاً موافق	۴. کاملاً مخالف		۳. مخالف				
۱-۵-۸. حق طلاق باید با مرد باشد	۱. کاملاً موافق	۴. کاملاً مخالف		۳. مخالف				
۲-۵-۸. رعایت کردن ادب در سخن بیشتر برای دختران تا پسران	۱. کاملاً موافق	۴. کاملاً مخالف		۳. مخالف				
۳-۵-۸. نساوتوان بودن زن در قاضی شدن	۱. کاملاً موافق	۴. کاملاً مخالف		۲. موافق				
۶-۸. باورهای کلیشه‌ای نمادی				۳. مخالف				
۱-۶-۸. برتری حجاب چادر نسبت به مانتو								
۲-۶-۸. زن نباید در مجامعه عمومی به دلخواه لباس بپوشد								
۳-۶-۸. ایراد داشتن استفاده از لوازم آرایشی و زینتی برای زن در مجامع عمومی								

۲- تحلیل داده‌ها

بر اساس نتایج آزمون‌های آماری سنجش رابطه میزان رشد هویت مدرن با متغیرهای مستقل، تعلقات طبقاتی تأثیری در میزان هویت رو به رشد مدرن دختران نوجوان ندارد. به عبارتی نمی‌توان ادعا کرد که افراد متعلق به پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتر میزان هویت رو به رشد آنها بالا و افراد وابسته به پایگاه پایین هویت رو به رشد کمی دارند. از این رو است که به باور برخی از متفکران مفهوم طبقه یا پایگاه اقتصادی- اجتماعی قدرت تبیین خود را در زمینه



هویت یابی از دست داده است. بر طبق تصور اولیه، معمولاً ساختار اجتماعی و فرهنگی جوامع در حال توسعه به شدت متأثر از تفاوت‌های جنسیتی است و نقش زنان عمدتاً محدود به خانواده و مسائل مربوط به اعضای آن است که معمولاً درونی شده و محور اصلی هویت آنها را تشکیل می‌دهد، اما نتایج حاصل از آزمون فرضیه میزان تقسیم وظایف جنسیتی، فقدان رابطه را نشان می‌دهد. به این معنی که تقسیم وظایف تأثیری در شکل‌گیری هویت رو به رشد دختران ندارد. این یافته‌ها می‌تواند مؤید این واقعیت باشد که تقسیم وظایف آن قدر درونی شده و به عنوان اصلی ضروری در زندگی خانوادگی درآمده که دختران در به چالش کشیدن آن اقدام می‌کنند؛ چراکه این عامل را مانعی بر سر راه هویت یابی مدرن نمی‌دانند. اگرچه رسانه‌ها فرد را با طیف وسیعی از مردم آشنا می‌کنند که فقط به طور غیر مستقیم شناخته می‌شوند، می‌تواند الگویی برای نوجوانان در دست یابی به هویت‌شان باشند، اما نتایج نشان از گرایش اندک دختران نوجوان به منابعی حتی خارج از چارچوب فرهنگ جامعه دارد تا به کمک آن به هویتی رو به رشد از خویشتن متناسب با شرایط امروزی دست یابند. نبود رابطه بین ارتباط نوجوانان با گروه‌های همسال و میزان رشد هویت مدرن مؤید نبود صدق رابطه در پاسخگویان مورد نظر است. این امر نشان می‌دهد که با شکل‌گیری منابع هویت ساز متعدد و حساسیت‌ها و محدودیت‌های اعمال شده توسط والدین در چگونگی ارتباط با دوستان، نوجوانان تلاش دارند با توسل به منابع در دسترس‌تر به هویتی رو به رشد نائل آیند. البته وجود روابط تعاملی تفاهمی باز در اندیشیدن درباره خود و موقعیت خود اثر دارد. بین تعاملات تفاهمی دختران نوجوان با اعضای خانواده و میزان رشد هویت مدرن رابطه وجود دارد. احتمالاً بزرگسالانی که بر تعامل با نوجوان خود تأکید می‌ورزند و روابط میان اعضاء را نه بر مبنای تسلط و اقتدار، بلکه بر اساس گفتگوی دوستانه توضیح و تفاهم بنا نهاده‌اند در تقویت هویت رو به رشد فرزندان خود تأثیر گذار بوده‌اند. انتظار می‌رفت بین باورها و اعتقادات دینی و میزان رشد هویت غیر سنتی رابطه معکوسی برقرار باشد، اما این وضعیت در میان دختران نوجوان مورد بررسی صدق نمی‌کند. به نظر می‌رسد امروزه نوجوانان ما با حفظ ارزش‌های دینی مورد نظر خویش، تلاش دارند به صورت فردی با وارد کردن عناصر غیر سنتی، طبق الگوهای مدرن فکر و عمل کنند. رابطه مثبت و بسیار قوی بین میزان رشد هویت مدرن با داشتن نگرش برابرگرایانه نسبت به موقعیت و وضعیت زنان در جامعه توسط دختران معرف آن

است که هر چه این نگرش بیشتر شود میزان هویت رو به رشد دختران بالاتر می‌رود.

جدول ۲: خلاصه نتایج آزمون‌های آماری سنجش رابطه میزان رشد هویت مدرن با متغیرهای مستقل
مورد توجه پژوهش

نتایج آزمون‌های آماری در سطح اندازه گیری ترتیبی				متغیرهای مستقل
سطح معناداری (sig)	kendall,s Tb	گاما Gamma	d سامرز	
۰/۵۹۰	-۰/۰۲۵	۰/۰۴۶	-۰/۰۲۵	پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین
۰/۰۶۴	-۰/۰۸۸	-۰/۱۳۶	-۰/۰۸۸	میزان تقسیم وظایف جنسیتی
۰/۰۰۰	۰/۲۴۴	۰/۳۹۵	۰/۲۴۳	میزان استفاده از رسانه
۰/۵۳	۰/۰۸۵	۰/۱۴۱	۰/۰۸۵	میزان ارتباط با گروه همسالان
۰/۰۰۰	۰/۳۲۰	۰/۴۲۰	۰/۲۶۰	میزان تعاملات تفاهمی با اعضای خانواده
۰/۴۲۸	-۰/۰۳۲	-۰/۰۴۹	-۰/۰۳۲	میزان دین داری
۰/۰۰۰	۰/۵۲۸	۰/۷۸۶	۰/۵۵۶	نگرش برابرگرایانه به حقوق زن

به واقع دستیابی به هویت رو به رشد مدرن با این باور ذهنی رابطه‌ای نزدیک دارد. لازمه این امر در ابتدا تغییر در نوع نگاه زنان و دختران به جایگاه کنونی خویش در جامعه و به چالش کشیدن آن و رسیدن به نگرشی برابرگرایانه است. نتایج نشان می‌دهد که دست یافتن به سطحی از نگرش برابرگرایانه در میان دختران نوجوان جامعه ما در حال گسترش است. برای کنترل آماری روابطی که در سطح تحلیل‌های دو متغیری بین متغیر وابسته (میزان رشد هویت مدرن) و هر یک از متغیرهای اصلی مورد توجه پژوهش از تحلیل چند متغیری (رگرسیون) استفاده شد. ضریب همبستگی مبین این است که متغیرهای مستقل و زمینه‌ای به طور همزمان ۰/۶۵ با متغیر وابسته همبستگی دارد که نشان دهنده همبستگی متوسط به بالا بین متغیرها است. این متغیرها با توجه به ضریب تعیین، ۴۳ درصد از واریانس میزان رشد هویت مدرن را تبیین می‌کند، در بین متغیرهای مورد نظر، متغیر نگرش برابرگرایانه نسبت به موقعیت زنان در



جامعه با ضریب رگرسیون بتا (۰/۵۴۲) که آزمون t آن در سطح (۰/۰۰۰) ۹۹ درصد معنادار است، بیشترین سهم را در تغییرات متغیر وابسته دارا است. پس از آن متغیر میزان استفاده از رسانه‌ها با ضریب رگرسیون بتا (۰/۳۳۵) جای دارد که آزمون t در سطح (۰/۰۰۰) ۹۹ درصد معنادار است. سومین متغیری که در تغییرات متغیر وابسته سهم دارد تقسیم وظایف جنسیتی است که با ضریب رگرسیون بتا (-۰/۲۷۳) با جهت معکوس و آزمون آن در سطح (۰/۰۰۰) معنادار است. در شرایط فعلی جامعه ایران و ضرورت‌های اقتصادی، حضور زنان در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی اجتناب ناپذیر شده است، اما به اندازه ورود زنان به عرصه عمومی شاهد رجوع مردان به درون خانه و انجام دادن کارهای خانه نبودیم. این مسأله وجود دارد که هنوز جنسیتی بودن کارهای خانه به اندازه‌ای قوی و ریشه دار است که کمتر کسی سعی در تغییر آن دارد؛ حتی برای دخترانی که در معرض اطلاعات جدید و متفاوتی قرار می‌گیرند؛ مسأله تقسیم کار جنسیتی به عنوان ایدئولوژی که مرز مکانی و زمانی نمی‌شناسد همواره مورد تأیید قرار گرفته و تبلیغ می‌شود. پس از این سه متغیر، متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین با ضریب بتا (-۰/۲۱۵) با جهت معکوس قرار گرفته که آزمون آن در سطح (۰/۰۰۰) معنادار است. احتمالاً نوجوانانی که والدین آنها از پایگاه بالایی برخوردارند، به دلیل وابستگی فرزندان و مراقبت بیشتر حرف شنوی بیشتری از والدین خود دارند و الگوهای والدین خود را بیشتر می‌پذیرند. پنجمین متغیر میزان دین داری با ضریب بتا (-۰/۱۸۴) است که با جهت عکس در تغییرات متغیر وابسته سهم دارد و آزمون ضریب رگرسیون آن در سطح (۰/۰۰۲) معنادار است. به نظر می‌رسد، اگر چه سنخ‌های متفاوتی از دین داری چون مذهبی نوگرا و مذهبی سنتی وجود دارد؛ اما دسته اول غالبتر است؛ این دسته در نحوه تفکر و رفتار خود بازنگری کرده و اغلب بر اساس آنچه خود صحیح می‌دانند عمل می‌کنند. دو متغیر ارتباط با دوستان و تعاملات تفاهمی با اعضای خانواده به ترتیب با ضریب رگرسیون (۰/۱۴۷) و (۰/۱۱۲) کمترین سهم را در تغییرات متغیر وابسته به عهده دارند؛ البته آزمون ضریب رگرسیون دوستان در سطح (۰/۰۰۸) و تعاملات تفاهمی (۰/۰۴۶) در سطح ۹۵ درصد معنادار است.

جدول ۳: تحلیل چند متغیره

نام متغیر	B _{بی}	B _{بتا}	t	سطح معناداری T
پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین	-۰/۶۲۶	-۰/۲۱۵	-۳/۸۶۵	۰/۰۰۰
میزان تقسیم وظایف جنسیتی	-۰/۳۳۴	-۰/۲۷۳	-۴/۵۷۳	۰/۰۰۰
میزان استفاده از رسانه	۰/۶۹۱	۰/۳۳۵	۴/۹۵۶	۰/۰۰۰
میزان ارتباط با گروه همسالان	-۰/۲۸۸	-۰/۱۴۷	-۲/۶۸۹	۰/۰۰۸
میزان تعاملات تفاهمی با اعضای خانواده	+۰/۱۴۲	+۰/۱۱۲	-۲/۰۰۲	۰/۰۴۶
میزان دین داری	-۰/۸۵۱	-۰/۱۸۴	-۳/۱۵۳	۰/۰۰۲
نگرش برابرگرایانه به حقوق زن	۰/۵۹۴	۰/۵۴۲	۸/۹۷۴	۰/۰۰۰
میزان همبستگی	ضریب تعیین	مقدار F	درجه آزادی (df)	سطح معناداری (sig)
(R)	(R ²)	۳۷/۰۴۱	۷	۰/۰۰۰
۰/۶۵۶	۰/۴۳۰			

نتایج نظری

لازمه رسیدن و دست یافتن به یک هویت رو به رشد مدرن تغییر وضعیت جامعه از حالت سنتی به یک وضعیت شبه مدرن یا مدرن است. از این رو در این فرایند گذار، با هویت‌های رو به رشد متفاوتی مواجه خواهیم شد. با توجه به این واقعیت که جامعه ما یک جامعه در حال گذار است؛ هویت‌های سنتی دختران دچار دگرگونی شده است. از یافته‌های پژوهش چنین بر می‌آید که فاصله گرفتن از هویت‌های سنتی یا به عبارتی میزان رشد هویت به سمت الگوهای مدرن صورتی همگون نیافته است. این وضعیت می‌تواند انعکاسی از واقعیت‌های اجتماعی جامعه ما باشد که در آن هنوز باورهای سنتی اقتدار خود را در جامعه در حال گذار ما از دست نداده‌اند. این باورها در برابر تغییرات سخت مقاومت می‌کنند و هنوز می‌تواند نقشی اثر گذار در زندگی اجتماعی و هویت دختران داشته باشند. بالا بودن سطح نگرش برابرگرایانه، استفاده از رسانه و تعاملات تفاهمی و فقدان رابطه با گروه همسالان، پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین، تقسیم وظایف جنسیتی و دین داری با میزان رشد هویت مدرن مؤید دیدگاه‌های تلفیقی رایج در جامعه شناسی امروزی است. آن چه صاحب نظران تلفیق‌گرای معاصر تحت عناوین ترکیب عوامل جمعی و فردی و عینی و ذهنی و تعاملی سطوح سه گانه بیان کرده‌اند و هویت



یابی مدرن و میزان رشد به سوی آن را محصول ترکیب آن‌ها دانسته اند، در این پژوهش هم مصداق پیدا کرده است، زیرا نتیجه اصلی این پژوهش هم این است که میزان رشد هویت فردی مدرن دختران نوجوان محصول ترکیب همه عوامل ذکر شده است که البته سهم هر یک از آن‌ها در تبیین و پیش‌بینی تغییرات موضوع مورد توجه متفاوت است. با توجه به این نتایج یادآوری می‌شود که هویت یابی مدرن و میزان رشد به سوی هویت مدرن امری بسیار پیچیده و با ابعاد متعدد است که از عوامل متعدد و در سطوح مختلف متأثر می‌شود. به طور کلی یافته‌های نظری پژوهش نشان داد که در تحلیل رشد هویت مدرن، روان‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان دارای دیدگاه‌های تقلیل‌گرای سطح‌خرد و تلفیقی سهم بسزایی در تبیین متغیر مورد نظر دارند. چنین به نظر می‌رسد که جامعه ایران، با قشر نسبتاً جدید و پویایی به نام نوجوان روبه‌رو است که فراموشی روند رو به رشد هویت یابی مدرن آنها می‌تواند سرمنشأ آسیب‌ها و مسائل اجتماعی زیادی شود، در این صورت نمی‌توان به هویت یابی نگاهی مغفول داشت و دیده بر آن فرو بست.

با این حال بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان پیشنهادهایی را ذکر کرد؛ رفتار تعامل گرایانه و توجه به نهاد بنیادین خانواده و روابط حاکم بر آن می‌تواند ما را در رسیدن بدین هدف یاری کند. یافته‌ها نشان می‌دهد رابطه معناداری میان فضای تعاملی و دموکراتیک خانه و شکل‌گیری هویت رو به رشد مدرن در خانه وجود دارد. تبلیغ خانواده متقارن که در آن رابطه‌ها آزاد منشانه‌تر باشد، به یاری رساندن به دختران نوجوان برای رسیدن به یک الگوی هویتی پایدار منجر می‌شود. ترویج چنین خانواده‌ای بدون کمک گرفتن از رسانه‌های ارتباط جمعی مقدور نیست. بنابراین، گنجاندن برنامه‌هایی در جهت کلیشه زدایی از خانواده امروزی، در این زمینه گامی مهم به شمار می‌آید. البته با توجه به چالش کشیده شدن نظم سنتی، مسئولان امر باید مراقب جوانب این جریان باشند؛ آن‌ها باید از طریق جامعه‌پذیری مجدد این مطلب را درک کنند که وضعیت تغییر یافته و موقعیت جدید، نقش‌ها و سبک‌های رفتاری جدیدی را می‌طلبد. بنابراین، باید به نوجوان حق داد و آنها را خودسر ندانست. از طرف دیگر نسل جدید نیز باید بدون تعمق و تفکر گذشته خویش را فراموش نکند و این مطلب را مد نظر داشته باشد که راه مطلوب رشد هویت، علاوه بر درک مدرنیته، شناخت مطلوب سنت را هم در خود نهفته دارد.

منابع

- اعزازی، شهلا، (۱۳۷۹). «هویت خانوادگی در برابر هویت فردی»، ماهنامه زنان، شماره ۵۶: ۶۹-۶۰.
- جنکینز، ریچارد، (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- جی دان، رابرت، (۱۳۸۵). *نقد اجتماعی پست مدرنیته بحران هویت*، ترجمه صالح نجفی، تهران: شیرازه.
- چاوشیان، حسن، (۱۳۸۱). «بدن به مثابه رسانه هویت»، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره ۵۷: ۴-۷۵.
- رفعت جاه، مریم، (۱۳۸۳). *عوامل جامعه شناختی مؤثر بر بازتعریف هویت زنان*، پایان نامه دکترا، تهران: دانشگاه تهران.
- سراج زاده، حسین و فاطمه جواهری، (۱۳۸۵). «برابرگرایی جنسیتی و متغیرهای زمینه‌ای و نگرش مرتبط با آن»، *مجله انجمن جامعه شناسی*، دوره هفتم، شماره دوم: ۴۰-۳.
- شالچی، سمیه، (۱۳۸۴). *بررسی شکل‌گیری هویت بازان‌پیشانه در میان دانشجویان و ارتباط آن با رسانه*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.
- شولتز، دوآن، (۱۳۶۹). *روانشناسی کمال: الگوهای شخصیت سالم*، تهران: نو.
- عبداللهی، محمد و عثمان حسین بر، (۱۳۸۱). «گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران»، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره چهارم: ۱۰۱-۱۲۶.
- عبداللهی، محمد، (۱۳۷۴). «هویت جمعی و دینامیسم و مکانیزم تحول آن در ایران»، *نامه انجمن جامعه شناسی ایران*: ۶۳-۸۳.
- فروم، اریک، (۱۳۶۸). *جامعه سالم*، تهران: بهجت.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۵). *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.



لاپتن، دبورا، (۱۳۸۰)، بیم و مدرنیزاسیون تأملی، ترجمه مریم رفعت جاه، فصلنامه ارغنون، شماره ۱۸، ۲۹۳-۳۱۵.

موس، رالف، (۱۳۷۰). نظریه‌های بنیادی در دوره نوجوانی، ترجمه ژ.آ. صدیقی و همکاران، تهران: موسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ اول.

هابرماس، یورگن، (۱۳۸۴). نظریه کنش ارتباطی، ج ۱ و ۲، ترجمه کمال پولادی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی ایران.

Kaspersen.L, (2000). *Anthony Giddens, An introduction to social theorist*, Black well publishers.

Laynder,Derek, (2004). *Social and Personal identity*, London, sage publications Ltd.

Johnson, David,(1999). *Reaching out:interpersonal effectiveness and self-actualization*, Boston, Allyn and Bacon.

Scott, Jhon, (2006). *Social Theory:centeral issues in sociology*, sage publhcations, London,Thousand,New Delhi.

Wood ward, Kateh, (2000). *questioning identity:gender,class,nation*, London,New York,Routledeg.

Wyn, Johanna&White,Rod, (1997). *Rethinking Youth*, London, sage pub.

Stensson, Jan, (2007). Truma and Basic Trust,< www.daneshyar.net>.